

۱۷ قابل ۶۶  
January 30, 1985

مراله بسیار عزیز و مهره من ، دوست دیرینه و بهترینم ، کجا که برزخ و اندیشه  
نخواستیم کرد و در خواب و بیداری ، هیچ وقت ، کسی که به وقت و هر کجا ،  
زیبا بی طبیعت رد بر روی من ، بیاد و آدمی و آرزوی منم ، با او بودم .  
مراله جان منی دلت را من خواهم بابت نامه بدیسم و اگر چه همیشه در عالم  
حیال ، تو بوده ام ، با تو صحبت کرده ام ، خندیده ام و درد دل کرده ام ،  
به لایقی زودتر از این نتوانسته ام به تو مکاتبه کنم . چند روز پیش خانم حیات  
تلفن کرد حسی homicide شدم و بیاد روزی که در لندن ، بهم بودم ایستادم .  
زنه کجا حیات ؟ و آه به ما که آنقدر از دیدار و دیدن صحبتی بگذرد لذت  
میرسیم و خوشگوار میخویم از بیم دوری کنیم ، مراه دوری ما بر این تقاضای است  
خوبی روابط در بعضی و فضا نیز رگت پیدا می شود و من همیشه به سلامت ما  
خود را خوبت بوده ام که از این سو بهت بخوردارست ام . در عالم  
دلت بیگونی ، نه از او به همیشه در عالم حیات ، من نبوده است .  
احوال به بیخ را از خانم حیات پرسیدم گفت بهر داد باز ، ؟ رفته اد  
بود است و گفته الحمد لله به بیخ حسی خوب است و شغل منم ، بهم بگذرد  
لندن ، امید دارم هر چه زودتر بتوانم برود لندن ، اگر آنجا ، گشتن من  
امید دارم که ، بزرا بسین ، مراه آدم همیشه ، به لندن است و من اگر  
همیشه امید دارم به یک چیز نه استم زنه کجایی حسی بود ، انگه از حال  
به سلامت است اله ، کجا نه آینه همه کجا را بسین ، اگر تو بتوانی  
بیانش ایستاده که چه گفته ، اگر نتوانی من سعی خواهم کرد ، به بیخ من بود ،  
خانم حیات گفت اگر من بر دم پیش او ، اسم نباید پیش تو ، هر چه بود  
که می توانی لندن ، واقعا در حسی گران باشد ، منم که سعی خواهم کرد .  
امسال خارج از لندن با ما نمی پیش آمده که جیب کمی خالی است

البتة، آید، کریم نه صبی از تنهایی در آسمه ام و طی الی لکایس بازیم  
 حسن تنهایی نکتتم، اینجایی است که تمام عمر، نه بود، فکر کنم بعضی  
 که ~~حاصل~~ ~~دانش~~ ~~دانش~~ اینطور خواهد بود، مرصدهی که حلیی است  
 ، راحی خیال من بود است، از روزی که از پیش تو برگشتم، قصه مادرم  
 بگو که با رف بگفتن در رابط من و بهر نیکیس را بهم زله و اولال  
 دو ماه است که نه، هم بمنزل مهر ننگه اشته ام و آنرا انجی بدیم،  
 تا هم صلی ما را پیش مهر نکتتم و صحت که به است، خداوند  
 به را بگو نکتتم

زندگی من بیخوب تو بگذرد، ما کریم سُقول، ایمانی هستیم چون حیات  
 خانه، بر اقبال بود و نه تنهایی عمیرا است کارر نکتتم - پودر Diego  
 به راهی است و نه بردت در نگویند مسودانی بینم که مردم حضور  
 و نگویم؟ بویست پوشیده اند و در بر راه بریدیم بیا و تر بیا صبح،  
 اینجا احتیاج به با لوت است و اعصاب در خانه، نازده گمانی گم است  
 که نیاز لازم نداریم، البته منتظریم سوفا را است

کلی و با معنی خوب انه و خیر در زندگی آنرا ببقا است که البته عبت  
 ، راحی نکتتم است  
 و الله چنه خوات به نکتتم، ما را که توسط مهر داد نوشتیم، انگه  
 اینه، ما را بنویسید بر مهر داد که ادبار که نوشته، میدانم کی به است  
 که بره، حلی میگویم از حال در روزگار که بنویسید و خطی از  
 نصیم آید است که در کجا خواهیم بود  
 سلام زود ام و خلاصانه بر به به بیع بیان، کریم هم یک سلام بر نه  
 و این کوردم و به به دیدار کوردم